

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

از ذات اقدس الهی می خواهیم آن چه صلاح من و شماست و احیانا کسانی که بعدا این صدا را گوش می کنند بر فکر و زبانمان جاری شود.

مناسبت یکی همین میلاد باسعادت زینب کبری سلام الله علیها و چهلم شهادت برخی از شهدای مقاومت همچون شهید سید حسن نصر الله و کسانی که در همان اطراف و زمینه ها به شهادت رسیدند.

راجع به میلاد حضرت زینب کبری سلام الله علیها نمی خواهم بحث مفصلی داشته باشم میدانید که عقیده بنی هاشم ایشان شخصیتی است که هم جامع است هم جهانی هم جاودان .

شما اگر زندگی این بانوی بزرگ را ببینید خواهید دید که ایشان در ابعاد مختلف اسوه است. ایشان هم برای زنان اسوه است هم مردان و هم زمان خودش و هم تمام زمانها . این شخصیتها این تعبیر را داشته باشید با اینکه من الاسلام هستم اما للانسان اند . با این که امام علی در نهج البلاغه هر چه می فرمایند من الاسلام است اما للانسان است.

لذا نهج البلاغه من الاسلام اما للانسان است

صحیفه سجادیه با این که من الاسلام است اما للانسان است . شما صحیفه را به یک یهودی یا مسیحی یا بودایی یا هندو همین که یک معبودی را قبول داشته باشد صحیفه به دردش می خورد .

برخی شخصیتها هم این گونه اند مثل حضرت زینب با این که از اسلام اند اما للانسان اند و اختصاص به شیعه هم ندارند.

راجع به ایشان کم لطفی است که بگوییم اسوه زنان عالم ؛ ایشان هم برای زنان هم برای مردان اسوه است در جریان کربلا وقتی اسرا را می آورند، در مجلس عبیدالله ، کار عادی نیست ؛ یک زنی است که همه چیزش را از دست داده است.

امامش را شهید کردند فرزنداناش را به شهادت رساندند و به هر حال مجلس عادی نیست. عبیدالله حدود سی سالش هست یک جوانک مغرور اوج مستی اوج احساس قدرت است یعنی هر چه حساب کنید زمینهها علیه زینب کبری است وقتی عبیدالله از او می پرسد: دیدی خداوند با شما چه کرد؟ آن جمله خالد و ماندگار را بیان نمود که فرمود: ما رایت منه الا جمیلا

من نه از باب این که شیعه یا آخوند و مسلمانم این طور نیست وقتی خودم را خالی الذهن در نظر می گیرم از خودم می پرسم آیا جوابی از این زیباتر می توان داد؟!

جوابی که نه بهانه دست طرف داد برای منازعه بیشتر مثلا گفته شود: خفه شو! و یا ممکن بود ایشان سکوت کنند. اما ایشان این جمله را بیان فرمود: ما رایت منه الا جمیلا

یعنی اگر همه ما را جمع می کردند در آن مجلس و به ما میگفتند شما علما جواب این جوانک مست را بدهید. شما چه می گوئید؟ آیا به نظر شما جوابی به این زیبایی می شد که بیان کرد؟! هم این جواب صحیح است هم این که سیاسی اجتماعی نیست.

زینب کبرا این گونه است و عاشورا یکی از فوائد آن این بود که ظرفیت زن مسلمان را به ما نشان دهد. و نشان داد که یک زن چقدر می تواند ظرفیت داشته باشد و چقدر می تواند عالمه باشد. و عقیل باشد در مورد زینب کبرا صفت معروف عقيله است. عقیل غیر از عالم و عارف است عقیل یعنی بصیر یعنی حکیم اینکه کجا چه بگوید.

...داستانی است از بهلول نقل شده که می گویند برای این که پست قضاوتی را که هارون به او پیشنهاد داده بود را قبول نکند خود را به دیوانگی زده بود. به هر حال نقل شده که به مکه رفته و در طواف وداع که می خواست خداحافظی کند، دور کعبه طواف کرد و به خداوند عرضه داشت: خدایا ما داریم می رویم و لی این خانه تو با این همه عظمت به خاطر رسول تو است محمد صلی الله علیه و آله است و الا اگر محمد نبود این کعبه پر از بت بود، سیصد و ...بت در داخل کعبه بود و اطراف همین کعبه هم قربانی می کردند و خون هم می مالیدند به همان بت ها و بعد هم آن خداهایی را که قابل خوردن بود را می خوردند. سریع بهلول بعد از این طواف وداع به مدینه آمد، وقتی می خواست خداحافظی کند رفت کنار قبر رسول خدا و بعد به ایشان عرضه داشت یا محمد من سفارشت را نزد خدا کردم ولی به شما هم بگویم اگر اسم شما هم هست به خاطر علی بن ابیطالب است. اگر علی بن ابیطالب نبود مگر معاویه می گذاشت نامی از اهل بیت باشد.

و بعد بهلول به نجف رفت، و گفت یا علی من مدینه بودم و سفارشت را نزد رسول خدا کردم و...اگر پسر حسین نبود یزید نامی از شماها باقی نمی گذاشت من تا این جای داستان که می رسد نزد خودم می گویم ایکاش بهلول به کربلا نزد امام حسین رفته بود و گفته بود: حسین بن علی من فلان و فلان جاها را رفتم اما بگویم اگر زینب و مدیریت او نبود، نامی از عاشورا و حادثه عاشورا باقی نمی ماند.

برخی نویسندگان این تعبیر را دارند که عاشورا اگر حسینی الحدوث است زینبی البقا است.

امیدواریم خانمهای جهان اسلام واقعا با زندگی حضرت زینب کبرا سلام الله علیها آشنا شوند.

.....

قسمت دوم صحبتیم بیشتر خطاب به شما فضیلاست

ما در قرآن، پنج نهاد داریم؛ این ها در راستای هم اند. ما یک نهاد داریم به نام نهاد زوجیت

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

پاک و منزّه است خدایی که همه ممکنات عالم را جفت آفریده چه از نباتات (و حیوانات) و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که اینان از آنها آگه نیستند.

در انسان زن و مرد و در حیوان نر و ماده اما قرآن بالاتر می فرماید مما تنبت الارض ؛ هر چه زمین می رویاند. و بعد دارد من انفسهم و بعد مما لا يعلمون که برخی اشاره دارند به هسته مثبت و منفی یا بار مثبت و بار منفی ...

برخی معتقدند گیاه شناس سوئدی به نام کارل لینه بود که زوجیت را در همه گیاهان را کشف کرد و به طبقه بندی جانوران و گیاهان دست زد. و وقتی هم که مطرح کرد این کار او باعث عصبانیت کلیسا شد اما قرآن نه قرن هیجدهم نه قرن پانزدهم بلکه در قرن هفتم میلادی که دوران نزول قرآن است ، میگوید مما تنبت الارض و مما لا يعلمون این نهاد نهاد زوجیت است. به هر حال طبیعی است و قراردادی است بعد از زوج نهاد دیگر نهاد دوست یابی است گاهی انسان رفیق دارد و لازم هم نیست که از جنس مخالف هم باشد .

این همنشین و همدم ممکن است از جنس موافق باشد ممکن است نباشد عرب می گوید صدیق (همراه) و فارسی هم گفته می شود دوست و قرآن تعبیر ولی را به کار می برد و منظور هم این است که دوست داشتن منظور است همین است . ما در روایات داریم محبت و دوست .

ما یک نهاد سومی داریم به نام خلیل

در آیات قرآن چند جا صحبت از خلیل شده :

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

این جا خلیل به معنای دوستی با صداقت است . با کمال اطمینان

يَا وَلِيُّ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

ایکاش رفیق صمیمی و همه چیزم را به او بگویم فلانی قرار نداده بودم.

قرآن تعبیر دیگری دارد به نام بطانت :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ

ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛

قرآن می فرماید غیر خودتان را بطانه خودتان قرار ندهید .

نمی گوید ارتباط نداشته باشید اما ارتباط داشتن یک مطلب است بطانه قرار دادن و خلت و خلیل قرار دادن هم یک چیز هست و چیزی که ممکن است انسان را صغیر کند، خلیل است.

لذا مرحله بعد از زوج و بعد رفیق نوبت به خلیل می رسد این جاست که بحث من شروع میشود. این که ما خلیلمان کیست؟

ما ممکن است هزاران دوست و آشنا داشته باشیم اما نوبت به خلیل که میرسد قرآن می فرماید: بترسید. تعبیر چهارمی که قرآن دارد، قرین است یعنی موجودی که همراه می شود شب، روز، در خواب و در بیداری همراه انسان است

وَمَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

و هر که از یاد خدا (و حکم قرآن) رخ بتابد شیطانی را بر او برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد. قرآن نمی فرماید فهو له صحیب؛ همراه فهو له رفیق بلکه می فرماید فهو له قرین و قبل از آن هم می گوید ما او را بر او مسلط می کنیم نقیض

قرین همراهی که مسلط بر انسان می شود؛ گاهی وقتها این جا است که انسان به اومعتاد می شود مصداق آن همین گوشی ها؛ این ها را به مردم بگویید. این گوشی ها همراه و خلیل نیست اینها قرین است برخی انسان ها چنان معتاد می شوند که باید همیشه همراه او باشد. برخی اشخاص صدها میلیون تومان هزینه می کنند که به مکه بیایند می بینی داری برای او از مناسک می گویی و او دارد با گوشی خود بازی می کند.

این مصداق تسلط است مگر تسلط شاخ و دم دارد نه همین مصداق قرین بودن یک شخص یا یک چیز نسبت به انسان است. یا در سوره فصلت خداوند متعال می فرماید:

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ

گوینده ای از آنان می گوید: همانا من [در دنیا] همنشینی داشتم.

که این قرین دائم در گوش من می خواند

يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ

[که همواره از روی تعجب به من] می گفت: آیا تو از باور دارندگان [رستخیز و زنده شدن مردگان] هستی؟ بعد می فرماید:

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ

[سپس به دوستان بهشتی خود] می گوید: آیا شما با من به دوزخ سر می کشید [تا از همنشینم خبری بگیرید که در کجا و در چه حالی است؟]

بعد می فرماید:

فَاطْلَعَ قَرَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

پس خود او به دوزخ سر می کشد و همنشینش را وسط دوزخ می بیند

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتُ لَتُرْدِينَ

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

این جا قرین را خداوند بر خلاف قرین گروه اول معرفی میکند که می تواند به حال انسان سودمند باشد.

گاهی اوقات همه چیز متمرکز می شود در خود انسان

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند.

به این آیه که می رسیدیم نحات می گفتند که ولكن البر من آمن از باب مبالغه است مثل جایی که می گوئیم زید عدل یا این که ذو مقدر است لکن

ذا البر من آمن یا یک بر مقدر است لکن البر بر من آمن

من معتقدم که چرا ما بیاییم به قرآن سوبسیدبدهیم قرآن می خواهد بفرماید: برخی وقتها یک کس دیگری با تو همراه می شود و تو می شوی او و این جا صحبت قرین مطرح نیست. در اصطلاح هو - هو ، انسان شخصیت دومی پیدا می کند . به مردم نگوییم روز قیامت باطن انسان ها خلق می شود واقعیت این است که باطن انسان ها در همین دنیا است. و لذا الانسان حیوان ناطق د رمنطق بگوئید اما در اخلاق نگویید . در درس اخلاق بگوئید الانسان گرگ ، پلنگ و رتیل و عقرب و از آن طرف هم الانسان نور... الان هم همین طور است بنا نیست که همه چیز قابل رؤیت باشد . واقعیت این است که انسان می تواند هر دو بعد باشد . قرآن می فرماید یوم تبلی السرائر نه تُخْلَقُ السرائر نه تُوجَدُ السرائر و لذا انسان می شود ملک سر خود یا

شیطان سر خود . نیاز نیست انسان چراغ بردارد و دنبال شیطان و ملک بگردد شیطان و ملک ، ظلمت و جهنم و بهشت در درون خود ما است ما هر دو حالت را داریم که انسان در بهشت باشد و بهشت هم در انسان باشد یا جهنم در انسان باشد و یا انسان در جهنم باشد.

به هر حال پیام قرآن این است که انتخاب دوست خلیل قرین و ... یا بطلانه همه دست خود انسان است و اختیار دارد در این انتخاب .

• یک پیشنهاد

من صحبت از سوره صافات کردم

یکی از سوره هایی که خود من هر روز می خوانم ؛ سوره صافات است.

خدا را شکر که تا امروز رها نکردم سوره صافات را بخوانید و آن را هدیه کنید به پیامبران

از همین امشب و امروز خواندم این سوره را انجام دهید .

و آن را به فردا موکول نکنید که رها می کنید.

میدانید چرا می گویم به پیامبران هدیه کنیم

برای این که ما با اهل بیت ارتباط داریم اما با پیامبران ارتباط نداریم

بیشترین سوره ای که نام پیامبران در آن آمده سوره صافات است .

به هر صورت بزرگانی که ما گاهی خدمتشان بودیم گفتند صافات را باید خواند و آن را به پیامبران هدیه کرد.